

Original Article

## Predictive Factors for Infidelity from the Point of View of Unfaithful and Wronged Women: A Qualitative Study

Nahid Sharifi✉, Fereshteh Mootabi, Mohammad Ali Mazaheri, Mina Pahlevan

Received: 14.1.2024

Revised: 20.5.2024

Accepted: 22.5.2024

DOI: [10.48308/jfr.20.1.172](https://doi.org/10.48308/jfr.20.1.172)

**Abstract:** Infidelity is one of the most impactful events in the life of couples. Thus, the purpose of this study is identifying the predictors of infidelity among women who were unfaithful themselves or were victims of infidelity. This research was qualitative and used foundational data and its statistical population included married women who had experienced emotional and/or sexual infidelity. The sampling was purposeful and to achieve this, places such as counseling centers, family courts, and radio and television were used. Qualitative data were collected through semi-structured in-depth interviews to the point of saturation and were analyzed using Strauss selective coding method and in an open and axial manner. Thus, 15 victims and 12 perpetrators were interviewed. The results indicated the existence of individual, relational and contextual factors. Victims considered the unmet needs of their husbands, life problems and the existence of underlying conditions to be effective. Among perpetrators, a sense of being seen and the existence of underlying conditions were identified as two main categories in the occurrence of infidelity. Given the consequences of infidelity, it seems paramount to take the necessary measures to prevent its occurrence, by studying the underlying factors.

**Keywords:** Infidelity, Marriage, Couple, Qualitative Study

**How to cite:** Sharifi, N., Mootabi, F., Mazaheri, M. & Pahlevan, M. (2024). *Journal of Family Research*. 20(1): 172-198. DOI: [10.48308/jfr.20.1.172](https://doi.org/10.48308/jfr.20.1.172)

✉Corresponding Author: [nahidsadatsharifi@yahoo.com](mailto:nahidsadatsharifi@yahoo.com)



Copyright: © 2023 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the creative commons' attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

## مقاله پژوهشی

## پیش‌بینی‌کننده‌های خیانت از دیدگاه زنان خیانت‌کرده و خیانت‌دیده: مطالعه‌ای کیفی

ناهیدسادات شریفی<sup>۱</sup>، فرشته موتابی<sup>۲</sup>، محمدعلی مظاهری<sup>۲</sup>، مینا پهلوان<sup>۴</sup>

۱. دکترای روان‌شناسی. دانشکده ادبیات علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات.
۲. استادیار پژوهشکده خانواده، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۳. استاد دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۴. کارشناسی‌ارشد خانواده‌درمانی دانشگاه شهید بهشتی.

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۲۴ دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۱۴۰۳/۰۲/۳۱ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۳/۰۲

DOI: [10.48308/jfr.20.1.172](https://doi.org/10.48308/jfr.20.1.172)

**چکیده:** خیانت یکی از تأثیرگذارترین رویدادها در زندگی زوجین می‌باشد. لذا هدف از پژوهش حاضر، شناخت پیش‌بینی‌کننده‌های بروز خیانت در بین زنان خیانت‌کرده و خیانت‌دیده بود. این پژوهش کیفی و داده‌بنیاد بوده و جامعه آماری آن شامل زنانی بودند که در مدت زندگی مشترک خود تجربه خیانت عاطفی، جنسی یا هر دو را داشتند. نمونه‌گیری این پژوهش هدفمند بوده و برای دستیابی به آن، مکان‌هایی چون مراکز مشاوره، خانه‌های سلامت، دادگاه‌های خانواده و ارتباط مردمی از طریق صداوسیما مدنظر قرار گرفتند. داده‌های کیفی از طریق مصاحبه عمقی و تا حد رسیدن به اشباع جمع‌آوری شدند و با استفاده از روش کدگذاری انتخابی استراوس و به‌صورت باز و محوری تحلیل گردیدند. به این ترتیب با ۱۵ زن خیانت‌دیده و ۱۲ زن خیانت‌کرده مصاحبه انجام شد. نتایج تحلیل داده‌ها مبین وجود عوامل فردی، رابطه‌ای و زمینه‌ای بودند. زنان خیانت‌دیده نیازهای برآورده‌نشده همسرانشان، مشکلات زندگی و وجود شرایط زمینه‌ای را در بروز خیانت مؤثر می‌دانستند. در زنان خیانت‌کرده نیز دیده‌نشدن و وجود شرایط زمینه‌ای، به‌عنوان دو مقوله اصلی در بروز خیانت شناسایی شد. با توجه به پیامدهای خیانت، انجام اقدامات لازم در جهت پیشگیری از وقوع آن با توجه به عوامل زمینه‌ساز، ضروری به نظر می‌رسد.

**کلیدواژه‌ها:** خیانت، ازدواج، زوج، مطالعه کیفی

استناد به این مقاله: شریفی، ن.، موتابی، ف.، مظاهری، م. و پهلوان، م. (۱۴۰۳) پیش‌بینی‌کننده‌های خیانت از دیدگاه زنان خیانت‌کرده و خیانت‌دیده: مطالعه‌ای کیفی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*. ۲۰(۱): ۱۷۲-۱۹۸. DOI: [10.48308/jfr.20.1.172](https://doi.org/10.48308/jfr.20.1.172)

✉ نویسنده مسئول: [nahidsadatsharifi@yahoo.com](mailto:nahidsadatsharifi@yahoo.com)

## مقدمه

خیانت زناشویی رویدادی تکان‌دهنده برای زوجها و خانواده به حساب آمده و از موضوعات رایج در روان‌درمانی و مشاوره خانواده است. در تعریف خیانت باید گفت خیانت نقض پیمان اظهارشده یا فرض‌شده معطوف به انحصاریت رابطه جنسی و عاطفی یکی از طرفین رابطه به‌منظور به‌دست‌آوردن منافع بیشتر است (واراچ و جوزف<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). روابط پنهانی خارج از حیطه زناشویی همیشه موجب ضربه شدید احساسی به طرفین شده و باعث بروز احساساتی شبیه خشم، ناامیدی، عدم اعتماد به نفس، از دست دادن هویت، احیای بی‌ارزشی، آشفتگی‌های شناختی مثل نشخوار فکری شدید و اختلال در تمرکز در فرد خیانت‌دیده می‌گردد (لاکوت<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵؛ آمارزو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲). فرد عهدشکن نیز ممکن است کشمکش هیجانی مانند احساس گناه، خشم، خجالت و افسردگی (فیف، ویکس و استلبرگ<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳)، درگیر شدن در ارتباطات منفی و دشواری بیشتری در تأمین صمیمیت را تجربه کند (لیفکر، هانلی وایت، بلاندون و مارشال<sup>۵</sup>، ۲۰۱۵). در خصوص شیوع خیانت باید گفت آمار خیانت در جوامع مختلف در حال افزایش است (علوی، می و مهری‌نژاد<sup>۶</sup>، ۲۰۱۸). ۲۰ تا ۴۰ درصد مردان و ۱۴ تا ۲۵ درصد زنان، حداقل یک بار خیانت به همسرشان را گزارش کرده‌اند (آلن و اتکین<sup>۷</sup>، ۲۰۱۲) و ۴۵ درصد مردان و ۲۶ درصد زنان داشتن رابطه خارج از ازدواج را در شش ماه گذشته تأیید می‌کنند (ایگنت<sup>۸</sup>، ۲۰۱۸). اگرچه آمار درست و دقیق از شیوع خیانت در ایران در دست نیست، اما می‌دانیم که خیانت در ایران با ناپایداری در روابط و نرخ بالای طلاق همراه است (مدرسی، زاهدیان و محمدآباد<sup>۹</sup>، ۱۳۹۳).

با توجه به پیامدهای احساسی و رفتاری خیانت و همچنین شیوع نگران‌کننده آن در خانواده، مطالعات مختلفی به بررسی دلایل وجود رابطه خارج از ازدواج پرداخته‌اند که از آن‌ها می‌توان به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های خیانت نام برد. بررسی در ادبیات پژوهشی نشان می‌دهد بخش اصلی تحقیقات در مورد خیانت، به رابطه همسران و رضایت آن‌ها از زندگی معطوف است. افرادی که رضایت اندکی از زندگی زناشویی دارند، تمایل بیشتری به خیانت داشته‌اند (پلات<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶؛ فینچام و می<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۷). اکثر مطالعات نشان می‌دهد اغلب افراد علت خیانت خود را مشکلات زناشویی ذکر می‌کنند. در این میان، رضایت جنسی نیز از اهمیت زیادی برخوردار است. زوجی که رضایت جنسی ندارند، به احتمال زیاد تمایل پیدا می‌کنند این رضایت را حداقل با رابطه جنسی خارج از زناشویی جبران کنند. (اتکینز، باکوم و جاکوبسن<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۱). کمبودهای جنسی و عاطفی و یا نداشتن جذابیت جنسی در همسران، کیفیت کم یا دفعات کم رابطه جنسی در روابط زناشویی، عوامل زمینه‌ساز رابطه جنسی خارج از ازدواج است؛ شاید درگیری افراد در این رابطه، ابزاری برای بازگرداندن تعادل باشد (کمپیل<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۹). جنسیت هم متغیری مهم در خیانت است. به‌طور کلی مردان بیشتر از زنان درگیر در روابط فرازناشویی می‌شوند (فینچام و می، ۲۰۱۷). در بیشتر تحقیقات اخیر هم نشان داده شده خیانت در زنان، به میزان زیادی با نارضایتی در رابطه ارتباط دارد، درحالی‌که خیانت در مردان وابسته به نارضایتی جنسی است (آلن و همکاران<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۸؛ اتکینز، یی، باکوم و کریستین سن<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۵). این درحالی است که نوع رابطه عاطفی و نیاز زنان به‌وضوح روشن نشده است. علاوه بر عوامل پیشین، عوامل فردی نیز در بروز خیانت مؤثر هستند. شاکلفورد، بسر و گوئتر<sup>۱۶</sup> (۲۰۰۸) شخصیت را به‌عنوان یکی از پیش‌بینی‌کننده‌های خیانت بررسی کرده و دریافتند افراد با میزان پایین توافق‌پذیری و وجدان‌گرایی، احتمال

درگیری بیشتری در روابط خارج از ازدواج دارند. ازطرفی، افرادی که درگیر خیانت می‌شوند، نسبت‌به تجربه‌های جدید، بازتر و برون‌گراتر از همسرانشان هستند (اورزک و لانگ<sup>۱۷</sup>، ۲۰۰۵؛ یسنری و کوکدمیر<sup>۱۸</sup>، ۲۰۰۶). از دیگر عوامل مؤثر در خیانت میزان مذهبی بودن افراد می‌باشد. تمام مذاهب وفاداری در ازدواج را تشویق کرده و خیانت را نهی می‌کنند. پژوهش‌های قبلی مبین این نکته بوده است که افراد مذهبی نسبت‌به غیرمذهبی‌ها کمتر دچار خیانت می‌شوند (آلن و اتکینز، ۲۰۰۵). آموزه‌های دینی بر بخشش، مراقبت از یکدیگر و امتناع از خشم که باعث استحکام روابط زناشویی می‌شود، تأکید می‌کنند (ماهونی، پارگامنت، تاراکشوار، سوانک<sup>۱۹</sup>، ۲۰۰۱). اتکینز و کسل<sup>۲۰</sup> (۲۰۰۸) و فینچام و می (۲۰۱۷) نیز در پژوهش خود نشان دادند که مذهبی بودن همراه با شرکت در مجالس مذهبی، عامل حمایت‌کننده در جلوگیری از خیانت است. در انتها، به‌عنوان سومین دسته از عوامل مؤثر در بروز خیانت می‌توان به عوامل محیطی اشاره نمود. وایزمن و اشنایدر<sup>۲۱</sup> (۲۰۰۷) بیان نمودند خیانت در بین زنانی که در دوران کودکی مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته‌اند، بیشتر بوده است و فرزندان که از خیانت پدرشان مطلع می‌شوند، احتمال بیشتری را در گرایش به جنس مخالف نشان می‌دهند (پلات، ۲۰۰۶). اگرچه آشکارشدن رفتارهای خیانت‌آمیز والدین و اثر آن بر گرایش فرزندان به خیانت موضوعی مهم می‌باشد، اما خلأ نوع رفتار و تعاملات والدین و فرزندان و تأثیر آن بر روابط جنسی و عاطفی فرازناشویی بعداز ازدواج نیز در این میان حائز اهمیت است. از دیگر شرایط محیطی می‌توان به شرایط و مقتضیات شغلی اشاره کرد. برای مثال، داشتن مشاغلی که مستلزم سفرهای طولانی و غیبت از خانه است (ترین و استیگام<sup>۲۲</sup>، ۱۹۹۸) و یا ارتباط زیاد با جنس مخالف در محیط کار (کوراکی<sup>۲۳</sup>، ۲۰۱۳)، ریسک وقوع خیانت، به‌خصوص در مردان را، افزایش می‌دهد.

باید گفت خیانت پدیده‌ای است با پیامدهای فاجعه‌بار برای فرد خیانت‌کننده، فرد خیانت‌دیده، فرزندان و خانواده‌های دو طرف (اشنایدر، باکوم و گوردن<sup>۲۴</sup>، ۲۰۰۸) و نیز پدیده‌ای که شیوع رو به گسترش دارد و بدون ریشه‌یابی علل واقعی، فقط به مذمت آن پرداخته می‌شود. ازطرفی درمان مناسب و یا پیشگیری از خیانت نیز منوط به شناخت عوامل پیش‌بینی‌کننده و طراحی مداخلات بر مبنای آن می‌باشد. با توجه به اثرات گسترده و مخرب خیانت و ادامه تأثیرات آن بر فرزندان، انجام پژوهش‌هایی که به پیش‌بینی‌کننده‌های خیانت می‌پردازد، ضروری می‌نماید. فینچام و می (۲۰۱۷) به سه دسته عوامل فردی، رابطه‌ای و زمینه‌ای در پژوهش خود اشاره کرده‌اند. از عوامل فردی می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی، ازقبیل روان‌رنجورخویی و خودشیفتگی، مشاهده خیانت در خانواده مبدأ، تعداد شرکای جنسی قبل از ازدواج، مصرف الکل، دلبستگی ناایمن، وجود استرس‌های روان‌شناختی و رویکرد مثبت به خیانت اشاره کرد که باعث افزایش وقوع خیانت می‌شوند. در این مطالعه، نارضایتی از رابطه، داشتن هم‌خانه قبل از ازدواج و تعهد پایین، در دسته عوامل بین فردی بالابرنده ریسک خیانت و نوع شغل، گرایش‌های مذهبی و اینترنت و فضای مجازی در گروه عوامل زمینه‌ای قرار داشت. کاشانیان، زهراکار، محسن‌زاده و اسماعیلی<sup>۲۵</sup> (۱۳۹۷) نیز در مطالعه خود به سه مقوله عمده درمورد خیانت زناشویی زنان با بررسی هفده زن دارای تجربه خیانت رسیدند؛ عوامل زمینه‌ساز خیانت شامل کسالت‌بارشدن زندگی بعداز کشف یکدیگر، ضعف‌های ذاتی ازدواج، آسیب‌پذیری در زمان سرکوفته‌شدن نیاز جنسی یا عاطفی و عوامل نگه‌دارنده خیانت شامل تمایل به تجربه هیجان، سلب مسئولیت از خود و تأکید بر ویژگی‌های همسر، کسب خلاقیت بسیار در به‌دست‌آوردن زمان برای رابطه و پنهان کردن آن، کسب شجاعت برای کشف

ویژگی‌های جدید در خود و پاسخ به خیانت شامل میل به طلاق، تحمل فشار روانی و ترمیم آشیانه. همچنین چوپانی، سهرابی‌فرد، محمدی، اسماعیلی و صمدی‌فرد<sup>۲۶</sup> (۱۳۹۸)، با بررسی دوازده مرد دارای تجربه بی‌وفایی، به سه دسته علل رسیدند: علل درون‌فردی شامل تنوع‌طلبی جنسی، کسب اعتماد به نفس، انتقام و عدم پایبندی مذهبی؛ علل بین‌فردی شامل نارضایتی جنسی، نارضایتی عاطفی و عدم تعهد؛ عوامل محیطی شامل مهیا بودن شرایط خیانت و اختلال در همسرگزینی. حبیبی و حاجی حیدری<sup>۲۷</sup> (۱۳۹۴) نیز با بررسی ۴۲ مرد و زن مراجعه‌کننده به دادگاه خانواده، به سه دسته عوامل زمینه‌ساز خیانت در پژوهش خود رسیدند؛ عوامل فردی: مسائل روان‌شناختی و مسائل گذشته؛ عوامل مربوط به روابط همسران: مسائل عاطفی، ازدواج نامناسب، سوءرفتار، عدم حضور همسر؛ عوامل مربوط به جامعه: مسائل محیطی و مسائل اقتصادی.

همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، پژوهش‌هایی در داخل و خارج از ایران به بررسی پیش‌بینی‌کننده‌های خیانت پرداخته‌اند. در خصوص پژوهش‌های خارجی باید گفت که همانند سایر موضوعات مرتبط با زوج‌ها، خیانت معانی گوناگونی برای افراد با فرهنگ‌ها و قومیت‌های مختلف دارد و نمی‌توان نتایج پژوهش‌های آنان در این حوزه را به‌طور کامل در جامعه ایرانی صادق دانست. مطالعاتی که در داخل کشور انجام شده است نیز اغلب بر زنان و یا مردان خیانت‌کننده متمرکز بوده و فقدان پژوهشی که در کنار افراد خیانت‌کننده، به ریشه این پدیده از دیدگاه افراد آسیب‌دیده نیز بپردازد، احساس می‌شود. لذا این پژوهش قصد دارد تا به بررسی پیش‌بینی‌کننده‌های خیانت در دو گروه زنان خیانت‌کرده و خیانت‌دیده بپردازد تا از این طریق، گامی در جهت پیشگیری، درمان مناسب و تسهیل برنامه‌ریزی در این حوزه برداشته شود. به این ترتیب، سؤالات موجود در این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. عوامل مؤثر بر خیانت از دید زنان خیانت‌دیده کدام‌اند؟

۲. عوامل مؤثر بر خیانت از دید زنان خیانت‌کننده کدام‌اند؟

### روش، جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

پژوهش حاضر از نوع کیفی و به شیوه نظریه زمینه‌ای<sup>۲۸</sup> و داده‌بنیاد است. جامعه آماری آن شامل زنانی بودند که در مدت زندگی مشترک خود تجربه خیانت عاطفی، جنسی یا هر دو را داشتند. به عبارت دیگر، زنانی که به همسر خود خیانت کرده یا مورد خیانت واقع شده‌اند، جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند. ملاک‌های ورود به این پژوهش، زنانی بودند که در زندگی زناشویی خود مرتکب خیانت شده و خود به آن اذعان داشتند و زنانی که همسرانشان دارای روابط فرازناشویی بوده و بنا به اظهاراتشان مورد خیانت واقع شده بودند. در مورد ملاک‌های خروج نیز باید گفت که کلیه افرادی که بنا به هر دلیل، اعم از شخصی، عرفی، اجتماعی و یا قانونی روابط فرازناشویی خود را به‌عنوان ارتکاب به خیانت نپذیرفتند، از گروه مورد مصاحبه خارج شدند. نمونه‌گیری در این پژوهش هدفمند بوده و برای دستیابی به آن، ابتدا مکان‌هایی چون مراکز مشاوره، خانه‌های سلامت، دادگاه‌های خانواده، حتی مشاغل خاص چون آرایشگرها و نیز با ارتباط مردمی از طریق صداوسیما، مدنظر قرار گرفتند. بعد از آن با توجه به محدودیت دسترسی به تعداد موردنظر، دسترسی به شیوه‌های دیگر مورد بررسی قرار گرفته و انجام شد. به این ترتیب که پس از آماده‌سازی مقدماتی سؤالات مصاحبه، در گام اول، طی یک برنامه تلویزیونی از کسانی که مایل به شرکت در پژوهش بودند، دعوت به عمل آمد. از این طریق، ۴۵۰ نفر برای شرکت در پژوهش اعلام آمادگی کرده بودند. با تمام این افراد تماس تلفنی گرفته شد. تعدادی مایل به همکاری

حضور و ضبط صدا نبودند، ولی به صورت تلفنی مایل بودند که مورد قبول واقع نشد. با افرادی که تمایل خود را به مصاحبه اعلام نموده بودند، تماس مجدد گرفته و پس از جلب اعتماد مبنی بر رازداری کامل، مصاحبه صورت گرفت. در گام بعدی، به کلینک‌ها، مراکز مشاوره، دفاتر وکلا، دادگاه خانواده، مراجعه و از افراد واجد شرایط تحقیق و دعوت به همکاری به عمل آمد. در کلینک‌ها و مراکز مشاوره، با مسئولین مراکز برای دعوت داوطلبان توافقاتی صورت گرفت. در دادگاه خانواده نیز، بعد از ورود، با مراجعان گفت‌وگو انجام شد و در صورت دارا بودن ویژگی موردنظر در پژوهش، دعوت به همکاری و در نهایت مصاحبه در فضایی خلوت و آرام برگزار گردید. با تعدادی از وکلای حوزه خانواده ارتباط برقرار شد و پس از ارائه توضیحات کافی، درخواست گردید در مواقع مناسب از موکلان واجد شرایط دعوت به همکاری صورت پذیرد. در ادامه نمونه‌گیری، در این پژوهش از روش گلوله‌برفی نیز استفاده گردید. به این صورت که از مصاحبه‌شوندگان درخواست می‌شد افراد دیگری را که می‌شناسند، معرفی کنند. در خصوص روند مصاحبه، در ابتدا توضیحاتی کافی در مورد پژوهش به داوطلبان داده شد و بعد از احراز موافقت، فرم مخصوص رضایت شرکت در پژوهش امضا و مصاحبه انجام شد. همچنین به مصاحبه‌شونده اطمینان کامل مبنی بر محرمانه‌بودن اسامی، اطلاعات بیان‌شده در حین صحبت و حفظ امانت‌داری کامل در ضبط صدای آنان داده شد. در خصوص حجم نمونه، از آنجاکه روش پژوهش کیفی بوده و از طریق مصاحبه عمقی انجام شده است، روند نمونه‌گیری تا زمانی که اطلاعات ارائه‌شده، تکراری شده و داده جدیدی به دست نیامد و اصطلاحاً اطلاعات به حد اشباع نظری<sup>۲۹</sup> رسید، ادامه یافت. به این ترتیب، در گروه زنان خیانت‌کرده با ۱۲ نفر و زنان آسیب‌دیده با ۱۵ نفر که مجموعاً ۲۷ نفر شدند، مصاحبه انجام و بعد از آن روند نمونه‌گیری متوقف شد. اطلاعات دموگرافیک گروه نمونه در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. اطلاعات دموگرافیک گروه نمونه

نوع خیانت	تحصیلات همسر						تحصیلات				سن		فراوانی		
	عاطفی-جنسی	جنسی	عاطفی	فوق لیسانس و بالاتر	فوق دیپلم و لیسانس	دیپلم	زیر دیپلم	فوق لیسانس و بالاتر	فوق دیپلم و لیسانس	دیپلم	زیر دیپلم	انحراف استاندارد			میانگین
عاطفی-جنسی	۷	۵	۳	۲	۶	۴	۳	۱	۷	۵	۲	۸.۴	۴۰	۱۵	زنان خیانت‌دیده
عاطفی-جنسی	۵	۳	۴	۱	۴	۴	۳	۲	۲	۷	۱	۸.۲	۳۶.۰۸	۱۲	خیانت‌کرده

### ابزار پژوهشی

ابزار مورد استفاده در این پژوهش مصاحبه عمقی بود. در پژوهش‌های کیفی، مبنای درک و دریافت اطلاعات، کسب تجربیات و صحبت‌های مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها می‌باشد. مصاحبه عمقی یکی از روش‌های جمع‌آوری اطلاعات در پژوهش‌های کیفی است که با این روش محقق می‌تواند با کنار زدن لایه‌های روپین و کمتر تأثیرگذار، به عمق موضوع مورد پژوهش خود دست یابد. یکی از ویژگی‌های این نوع مصاحبه‌ها، نیمه‌ساختار بودن آن می‌باشد. در این روش اگرچه پژوهشگر تلاش می‌کند سؤالات کلیدی را قبل از مصاحبه آماده کند، اما مصاحبه را به شکل گفت‌وگو و مکالمه‌ای انجام می‌دهد و سؤالات بعدی خود را از پاسخ‌هایی که

مصاحبه‌شونده به سؤالات پیشین می‌دهد، طراحی می‌کند (گوین، دایل و مک دونالد<sup>۳۰</sup>، ۲۰۱۰). در این پژوهش نیز، بعد از توضیحات تکمیلی در مورد موضوع و هدف تحقیق که به دست‌آمدن عوامل و علل بروز خیانت در ازدواج می‌باشد و بعد از کسب اجازه از افراد برای ضبط صدا، مصاحبه‌ها با سؤالات بازپاسخ<sup>۳۱</sup> شروع شد و به شکل هدفمند ادامه یافت. در این مطالعه، مصاحبه‌ها از ۲۰ دقیقه تا ۱۲۰ دقیقه طول کشید.

### روش تحلیل نمونه‌ها

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش تحلیل محتوای تئوری زمینه‌ای و با استناد به شیوه استراوس و کوربین استفاده شده است. در روش تحلیل محتوا، داده‌ها به طریق کدگذاری باز و محوری، مقوله‌بندی و تحلیل می‌شوند. به این ترتیب که بعد از انجام مصاحبه و پیاده‌سازی متن داده‌ها، محقق سطر به سطر مصاحبه را خوانده و به داده‌های مطرح شده در متن برچسب‌هایی اختصاص می‌داد. داده‌های به دست‌آمده مرتبط با عوامل پیش‌بینی‌کننده خیانت به طور مجزا مورد بررسی قرار گرفته و کدها و مفاهیم اولیه استخراج شدند. مفاهیم اولیه در کنار هم گذاشته شده و بر مبنای اشتراکات به صورت مقوله‌هایی درآمدند. پس از این مرحله که کدگذاری باز نامیده شده، مرحله کدگذاری محوری انجام شد. به این ترتیب که در کدگذاری محوری، مقوله‌های اصلی و فرعی شناسایی و رابطه بین آن‌ها بررسی گردید. مرحله بعدی بررسی صحت کدگذاری انجام شده بود. در این زمینه، کرسول<sup>۳۲</sup> (۲۰۰۷) اظهار می‌دارد که محقق برای اعتباریابی تفاسیر و یافته‌های خود نقطه‌نظرات شرکت‌کنندگان را جویا می‌شود. برای این منظور، داده‌های دریافت‌شده، تجزیه و تحلیل و تفسیر می‌شوند و نتیجه با شرکت‌کنندگان در میان گذاشته می‌شود. بررسی پایانی نیز بر مبنای توافق چند کدگذار برای تجزیه و تحلیل متن مصاحبه‌ها به دست می‌آید. در مطالعه کیفی، پایایی اغلب اشاره به تثبیت پاسخ‌ها از منظر چند کدگذار از مجموعه داده‌ها دارد. بر این اساس محقق برای به دست آوردن درستی دریافت‌های خود از گفته‌های مصاحبه‌شوندگان طی قرارهای مجدد از آنان دعوت نمود و نتایج حاصل از گفت‌وگو را با آن‌ها در میان گذاشت و نظر آنان را جویا شد. گام بعدی استفاده از نظر کارشناسان دیگر در مورد کدهای به دست‌آمده از صحبت مصاحبه‌شوندگان بود. در این مرحله، متن مصاحبه‌ها توسط دو متخصص که اطلاع کافی از موضوع و اهداف پژوهش داشتند، بازخوانی و درباره نظرات جدید احتمالی در کدگذاری‌ها، تبادل نظر صورت گرفت. مرحله سوم جمع‌بندی و تحلیل مقوله‌های اصلی به مقولات گزینشی بود که محقق بعد از بازخوانی چندباره مصاحبه‌ها به آن‌ها دست یافت.

### تبیین یافته‌ها

در این قسمت اطلاعات حاصل از مصاحبه از افراد واجد شرایط، با پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش مورد تحلیل قرار گرفته و به تفصیل نمونه‌های مرتبط با هر یک از مقوله‌ها، ذکر خواهند شد. سپس توضیح اطلاعات حاصل از کدگذاری داده‌ها ارائه می‌شوند.

#### ۱. عوامل مؤثر بر خیانت از دید زنان خیانت‌دیده کدام‌اند؟

طی مراحل کدگذاری، چهار مقوله اصلی نیازهای برآورده‌نشده، انفعال زن در رابطه، مشکلات زندگی و وجود شرایط زمینه‌ای، استخراج شد که هر کدام دارای مقوله‌های فرعی هستند که در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲. معرفی کدها، مقوله‌های فرعی، مقوله‌های اصلی و ارتباط بین آن‌ها در زنان خیانت‌دیده

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی (۲)	مقوله‌های فرعی (۱)	کدها
۱. نیازهای برآورده‌نشده	ب. مرد دون‌زنان	ج. عدم وجود جایگاه برای مرد د. عدم ارتباط عاطفی و جنسی مطلوب ه. مشکلات و محدودیت‌ها در خانه‌داری	۱. سادگی، اعتماد زیاد و کوتاه آمدن زن
			۲. سازگاری و محبت کامل زن
			۱. عدم کنترل تکانه‌های جنسی
			۲. جذابیت‌های ظاهری و رفتارهای متظاهرانه
			۳. داشتن روابط دوستی و جنسی متعدد قبل از ازدواج
			۴. کسالت‌آور دانستن زندگی و تنوع‌طلبی مرد
			۱. خودبرتری زن و تحقیر و کوچک شمردن همسر
			۲. ایراد گرفتن زن
			عدم رابطه کلامی - عدم رابطه عاطفی خوب - عدم رابطه جنسی مطلوب - ارتباط جنسی کم - ارتباط کلامی کم - فاصله عاطفی و روحی - سکوت و قهر زن
			۱. ایراد گرفتن از مرد - کنترل‌گری زن - بداخلاقی زن
			۱. خودبرتری زن و تحقیر و کوچک شمردن همسر
			۲. ایراد گرفتن زن
۱. سادگی زن و اعتماد زیاد به شوهر - کوتاه آمدن در مقابل کارهای شوهر - اعتماد به همسر - سادگی و گذشت زیاد زن - منظور بودن زن - انفعال زن - وابستگی زیاد زن - ناتوانی زن - سکوت و کوتاه آمدن زن - جدی نگرفتن کارهای شوهر - کوتاه آمدن و تبعیت زیاد زن - خودکم‌بینی و اعتماد به نفس پایین زن - ترسو بودن زن			
۲. سازگاری و صبوری و قانع بودن زن - رسیدگی و توجه زیاد زن - بی‌توجهی زن - کم‌توجهی زن - عشق و محبت زیاد زن به شوهر - خوب بودن زیاد زن - مطیع و ساکت بودن زن			
۱. عادت به خیانت - شهوت زیاد مرد - دین فیلم‌های پورنو - اعتماد به مسائل جنسی - عدم کنترل در مسائل جنسی - گرایش زیاد جنسی خانوادگی - عدم کنترل در ارتباط با زنان - سادگی و زود گول خوردن مرد - شهوانی بودن - لذت‌بردن از روابط با زنان متعدد - تربیت‌نشده‌گی در امور جنسی - داشتن مشکل جنسی - عاشق شدن			
۱. دروغ‌گویی مرد - پنهان‌کاری مرد - خودنمایش دهی و جلب‌توجه و محبت زنان - خوش معاشرت و جذاب بودن مرد - تأیید گرفتن از زنان - صمیمیت زیاد با جنس مخالف - خوش‌قیافه و خوش‌تیپ بودن مرد - وضع مالی خوب مرد			
۱. داشتن روابط دوستی متعدد قبل از ازدواج - داشتن روابط جنسی قبل از ازدواج			
۱. بی‌توجهی به زندگی و آینده - میل به خوش گذرانی و مهمانی - خرج کردن زیاد و بی‌توجهی به آینده - کسالت‌آور دانستن زندگی - زیاد بخورایی و توقع مرد - خوش گذران بودن مرد - تنوع‌طلبی مرد - ریخت‌پاش و مهمانی‌های زیاد			
۱. خودکم‌بینی مرد - برتری تحصیلات زن نسبت به مرد - بالاتر بودن سطح فرهنگی، مالی و تحصیلاتی زن - بالاتر بودن سطح خانوادگی و تحصیلاتی زن - تحصیلات کمتر مرد و همراه با احساس خودکم‌بینی - اعتماد به نفس پایین مرد در مقابل زن - عاقل‌تر بودن زن - کمبودهای شخصیتی مرد			
۱. غرغر کردن زن - ایراد گرفتن از مرد - کنترل‌گری زن - بداخلاقی زن			
۱. عدم رابطه کلامی - عدم رابطه عاطفی خوب - عدم رابطه جنسی مطلوب - ارتباط جنسی کم - ارتباط کلامی کم - فاصله عاطفی و روحی - سکوت و قهر زن			
۱. پدر بی‌مسئولیت مرد - جوانی نکردن - محدود بودن به خاطر مادر - عدم حمایت و توجه والدین مرد - عدم تربیت درست - تأثیرپذیری از حرف‌های مادر - زود ازدواج کردن - عدم آمادگی و رشد عقلی مرد			



<p>الف. تفاوت دیدگاه‌های فردی و خانوادگی</p>	<p>تفاوت در نحوه ارتباط با دیگران - تفاوت مذهبی خانواده‌ها - اختلاف نظر در فرزنددارشدن - تفاوت‌های فرهنگی و مذهبی با شوهر - تفاوت در معاشرت‌ها - عدم سخت‌گیرانه بودن - تفاوت در تفریحات - تفاوت در شخصیت و روحیه (درون‌گرایی و بیرون‌گرایی) - تفاوت در سبک زندگی</p>	<p>۲. مشکلات زندگی</p>
<p>ب. اختلاف و تعارض زیاد</p>	<p>اختلاف و دعوی زیاد - اختلاف و دعوی فیزیکی - پرخشنگری مرد - پنهان‌گیری مرد - پرخشنگری و هتاک‌گری مرد</p>	<p>۳. وجود شرایط زمینه‌ای</p>
<p>ج. عدم علاقه مرد و ماندن اجباری زن</p>	<p>عدم علاقه مرد - ماندن زن در زندگی به خاطر بدنامی طلاق - طلاق گرفتن زن به خاطر نامادری - ادامه زندگی زن به خاطر فرزند - جدانشدن زن به خاطر آبروی خانوادگی - لاغر شدن زن - بی‌علاقگی مرد و کم‌توجهی زن به خود در خانه - جدانشدن زن به خاطر حرف مردم</p>	<p>الف. تغییر ناگهانی شرایط اقتصادی، محیطی و فرهنگی</p>
<p>ب. ارتباط زیاد مرد با جنس مخالف</p>	<p>تغییر محیط زندگی - تغییر دیدگاه مذهبی - تغییر محیط زندگی و شرایط شغلی - تغییر محل کار</p>	<p>ب. ارتباط زیاد مرد با جنس مخالف</p>
<p>ج. داشتن دوستان و همکاران غیر متعهد</p>	<p>ارتباط با جنس مخالف در محیط کار - ارتباط با زنان در محیط‌های مختلف</p>	<p>ج. داشتن دوستان و همکاران غیر متعهد</p>
<p>د. سابقه وجود خیانت در اعضای خانواده و نزدیکان</p>	<p>رتبقت باری - داشتن دوستان زیاد غیر متعهد - ارتباط با افراد غیر متعهد - ارتباط با افراد غیر متعهد در محل کار</p>	<p>د. سابقه وجود خیانت در اعضای خانواده و نزدیکان</p>

به‌دلیل فراوانی بالای مقولات فرعی ۱، به ذکر یک مثال از هر کدام از مقولات فرعی ۲ بسنده می‌شود.

## ۱. نیازهای برآورده‌نشده

با تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده از زنان آسیب‌دیده، مشخص شد مردان نیازهایی داشتند که به اعتراف آنان برآورده نشده بود. این نیازها در مجموعه‌ای اعم از نیاز به داشتن آزادی‌های متناسب در خانه پدری تا نیازهای مردانی با خصایلی خاص، نیازهای مربوط به روابط جنسی مطلوب و نیاز به داشتن جایگاه در زندگی مشترک، گنجانده شدند.

**الف. خوش‌بینی افراطی و انفعال زن در رابطه.** در پی مصاحبه‌های انجام‌شده مشاهده گردید که گاهی همسر فرد خیانت‌کرده از مرز اعتدال در رفتار خارج شده و با فرض بهبود شرایط زندگی و ایجاد کشش در همسر و جلب نظر وی به سمت رفتارهای منفعلانه و پرده‌پوشی رفتارهای همسر خود میل کرده است. خانم «س» در این باره می‌گوید: «کلاً زندگی‌م و خدام این آدم بود و هیچ دوستی نداشتم. در نبودش مثل یک خدمه و در بودنش مثل یک پرنسس بودم. تلاش می‌کردم خیلی خوش تیپ باشم از لحاظ ظاهر و حتی سکس. موهای سرم رو به تعداد رنگ‌های موجود از مش و رنگ، رنگ کرده بودم. می‌گفت راضی نیستم. بیرون زندگی می‌کرد و می‌اومد خونه فقط می‌خوابید. بس که بودم و تیمارش کرده بودم، زیادی‌ش کرده بود. بزرگ‌ترین اشتباهم خدمات زیادم و بی‌عرضگی‌م بود.»

**ب. مرد دون‌ژوان.** از اظهارات مصاحبه‌شوندگان برمی‌آید که تعدادی از همسران خیانت‌کرده دارای ویژگی‌هایی بودند که در مقوله محوری مردان دون‌ژوان گنجانده شدند. منظور از مردان دون‌ژوان افرادی با خصایص زیر بودند: عدم کنترل تکانه‌های جنسی، داشتن جذابیت‌های ظاهری و رفتارهای متظاهرانه، داشتن روابط دوستی و جنسی متعدد قبل از ازدواج، کسالت‌آوردانستن زندگی و تنوع‌طلبی مرد. خانم «ی» در این باره می‌گوید: «بار دوم که متوجه روابطش با زنان دیگه شدم به خونواده‌ش منتقل کردم. او هم تعهد داد و گفت داشتن روابط متعدد مثل یه بیماری در وجودمه. من به‌نوعی اعتیاد به این کار دارم.» همچنین خانم «ب» همسرش را این‌گونه توصیف کرد: «همسر من چشمای روشن داشت. موهاش رو هم مثل درویش‌ها بلند می‌کرد. تپیش هم خیلی خوب بود و به خودش هم خیلی می‌رسید. بیشتر احساس می‌کنم شخصیتش این‌طور بود که دوست داشت خودش رو به دیگران نشون بده، مخصوصاً به خانما، به جنس مخالف.»

**ج. عدم وجود جایگاه برای مرد.** منظور از عدم جایگاه برای مرد این است که اگرچه زن و شوهر در ازدواج به‌مثابه یک تیم عمل می‌کنند، ولی بایستی نقش و حضور هر یک از همسران با مرزهای مشخص در زندگی قابل شناسایی و مورد توجه هر یک از زوجها باشد. داده‌های به‌دست‌آمده حاکی از آن بود که نیاز به داشتن جایگاهی مردانه در زندگی مشترک، نیاز مفقوده مردان خیانت‌کرده بود. خانم «ج» در این باره می‌گوید: «اعتمادیه‌نفسش پایین بود. چون من از لحاظ تحصیلات بالاتر بودم. خانواده ما تحصیل کرده بودند. گاهی می‌گفت از سر من زیادی، تو خیلی از من بالاتری. خیلی معلومات عمومی‌ش پایین بود. اصلاً اهل کتاب نبود. وقتی می‌دیدم با پدرم هیچ حرف مشترکی نداره، خیلی خجالت می‌کشیدم.»

**د. عدم ارتباط جنسی و عاطفی مطلوب.** خانم «ج» تفاوت‌ها با همسرش را باعث ارتباط کم می‌دانست و گفت: «یک سری تفاوت‌ها آشکار شده بود. او هم مثل من سعی می‌کرد خودش را با من و روحیاتم تطبیق بده. ولی کم‌کم، هم او فهمید نمی‌تونه، هم من. ارتباط کلامی‌مون خیلی کمتر شد و دیگه به جایی رسید که حرفی

برای گفتن نداشتیم. بعداً وقتی از نظر روحی دیدم فاصله‌مون با هیچ چیز پر نمی‌شه، از لحاظ روابط زناشویی هم کنار کشیدم. عذاب وحشتناکی برام داشت.»

۵. **مشکلات و محدودیت‌ها در خانواده پدری.** خانم «س» از سخت‌گیری‌های خانه پدری و شرایط متفاوت بعد از ازدواج گفت: «وقتی با من دوست شد و دفعه اول اومد میلاد نور انگار وارد اروپا شده بود و کپ کرده بود. خونه‌شون بهارستان بود و منطقه مؤمن‌نشین و همه‌ش در حال حدیث حفظ کردن بود... پیش شیخی هم می‌رفت و چند سال مرید اون بود. یک دفعه از اونجا پاشیده شد... از لحاظ شخصیتی خیلی کمبود و عقده داشت.»

## ۲. مشکلات زندگی

زن آسب دیده در توصیف مسیر زندگی خود و توضیح عوامل مؤثر بر خیانت همسرشان به مسائلی اشاره کردند که بیانگر سختی‌ها و مشکلات زندگی بود که هر دو زوج با آن‌ها مواجه بودند.

**الف. تفاوت دیدگاه‌های شخصی و خانوادگی.** خانم «ج» با قاطعیت از عدم سنخیت با همسرش گفت: «از اول این ازدواج اشتباه بود. من کلاً آدم درون‌گرای ساکت و گوشه‌گیری هستم. من اهل کتاب بودم. یعنی تفریح کتاب‌خواندن بود و اهل گردش و مسافرت نبودم، ولی طرف مقابل کاملاً برعکس بود. خیلی آدم برون‌گرا و هیجانی بود. طبعاً او جاهایی دوست داشت بریم و با افرادی دوست داشت معاشرت کنیم که خیلی از من فاصله داشتن و برعکس. ایشون خیلی اهل شلوغی، موزیک با صدای بلند و هیجان بود. هرچی می‌گذشت از هم بیشتر فاصله می‌گرفتیم.» همچنین خانم «الف» تفاوت‌های خانوادگی را در جاهای مختلف نام برد: «شوهرم تو یه تیپ دیگه بزرگ شده بود. مثلاً عادت نکرده بودن که با افراد خانواده ارتباط داشته باشن. ارتباطشون با دوست و رفیق و ارتباط‌های مدل دیگه‌ای بود که برای من خوشایند نبود. یا خانواده ما طوری تربیت شدن که حتی برای کلام اضافه می‌گفتن لزومی نداره. خنده یک مرد و زن و جوک گفتن یک مرد و زن برایشون ضد ارزش بود. ولی تو خانواده اونا این ضد ارزش که نبود، تازه جذابیت هم داشت.»

**ب. اختلاف و تعارض زیاد.** خانم «م» اوج اختلافاتشان را بعد از تولد پسرش می‌دانست و گفت: «از وقتی پسرم به دنیا اومد، فهمیده بودم که یه جایی این ازدواج تموم می‌شه. اما متأسفانه هی طولش دادیم و اختلافاتمون بیشتر شد. این اواخر از توهین‌ها گذشت و به دعوی فیزیکی رسیده بود.»

**ج. عدم علاقه مرد و ماندن اجباری زن.** خانم «خ» به شرایط سخت زندگی در خانواده مبدأ خود اشاره کرد: «مادرم در بچگی من مرد. شاید یکی از دلایلی که باعث می‌شد من زندگی و اون شرایط رو تحمل کنم، وجود نامادری بود که خیلی حمایت نمی‌کرد و می‌دونستم نمی‌تونم برگردم.»

## ۳. وجود شرایط زمینه‌ای

داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها حاکی از وجود شرایطی داشت که علاوه بر عوامل مربوط به فرد و رابطه، زمینه‌های گرایش هریک از همسران را به روابط زناشویی فراهم‌تر می‌نمود. این شرایط مربوط به محیط شغلی و یا افراد درگیر خارج از زندگی زناشویی در سه مفهوم اصلی زیر بود:

**الف. تغییر ناگهانی شرایط اقتصادی، محیطی و فرهنگی.** خانم «س» از تغییر رفتار همسرش بعد از تغییر شغلش گفت: «محل کارش عوض شد، رفتارش هم تغییر کرد. رفت تو مغازه‌ای که چهار تا برادر کارشون طلا بود. یواش یواش تیپش تغییر کرد و شروع کرد به غرزدن.»

**ب. ارتباط زیاد مرد با جنس مخالف.** خانم «س» نیز در سخنان خود از شغل همسرش، اشاره داشت: «مغازه لباس زنانه فروشی داشت. سروکارش کلاً با خانم‌ها بود. حتی در بین مشتریانش کسانی هم بودند که من می‌فهمیدم روابطشون بیشتر از یک مشتری.»

**ج. داشتن دوستان و همکاران غیرمتعهد.** خانم «الف» بعد از بیان نمونه‌هایی از روابط فرازناشویی دوستان همسرش گفت: «تمام دوستاش روابط غیرمتعهدانه داشتن و من قبل از اینکه مال همسر رو متوجه بشم، از روابط آن‌ها می‌دونستم. این موضوع تو خانواده همسر من و دوستانشون توانایی شخص محسوب می‌شد.»

**د. سابقه وجود خیانت در اعضای خانواده و نزدیکان.** خانم «ی» از روابط نامناسب بین اعضای خانواده و فامیل همسرش این‌گونه گفت: «پدرش قبل از مادرش، عاشق یه زن فاحشه می‌شه و ازش بچه داشت. دخترخاله‌ش از اونایی بود که تو خیابون همه برایش سوت می‌زنن، با رفتارهای غیرعادی. خواستگار برایش اومده بود، درعین حال کلید باغ دوست پسر شصت هفتادساله‌اش را گرفته بود و ما رفته بودیم اونجا... دخترعمه‌ش هم صیغه مردی شده بود که زن داشت.»

## ۲. عوامل مؤثر بر خیانت از دید زنان خیانت کرده کدام‌اند؟

کلیت تحلیل داده‌های به دست آمده از زنان خیانت کرده بر حول دو مقوله اصلی استوار بود: دیده‌نشدن و وجود شرایط زمینه‌ای. زنان دارای روابط فرازناشویی مطالباتی از زندگی و رابطه با همسر خود داشتند که در دوران زندگی مشترک به آن‌ها نرسیده بودند و در برخورد با شرایطی مناسب‌تر از نظر خودشان و یا نگرانی با اشتراکات و ویژگی‌های مطلوبشان، به سمت این نوع روابط گرایش پیدا کرده بودند. جدول ۳ کدگذاری مربوطه و مقوله‌های این گروه از مصاحبه‌شوندگان را نشان می‌دهد.

جدول ۳. معرفی کدها، مقوله‌های فرعی، مقوله‌های اصلی و ارتباط بین آن‌ها در زنان خیانت‌کرده

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی (۳)	مقوله‌های فرعی (۲)	مقوله‌های فرعی (۱)
دیده‌شدن ۱.	الف نیازهای برآورده نشده	فرعی (۲)	(۱)
			الف. شرایط سخت زندگی
			ب. تنهایی زن
			الف. اختلاف و تعارض زیاد
تعارض برانگیز ۲. موقعیت‌های	عدم رضایت زناشویی	فرعی (۲)	الف. عدم دریافت توجه و محبت از همسر
			ب. نرسیدن به خواسته‌ها
			ج. عدم رضایت جنسی
کدها			– ورکشکنگی همسر - اعیان‌پر - طلاق پسر - بیماری و از کار افتادگی همسر - بدهی همسر - مشکلات مالی - مسئولیت کامل زن در زندگی - فشار و سختی‌های زندگی - رفتارهای مشکوک و پنهان‌کاری همسر - وضع مالی نامناسب همسر - مشکلات خانوادگی همسر و عدم محبت به زن - بیکاری همسر - عدم جایگاه زن و شوهر در بین خانواده‌ها - رابطه همسر با خواهرزن - کار زیاد زن - دخالت خانواده شوهر - اعتیاد همسر - خیانت شوهر
			– مسافرت‌های زیاد همسر - دوری شبانه همسر - عدم حضور همسر در خانه - وقت گذاشتن زیاد همسر با خانواده‌اش - غیبت‌های بی‌اطلاع و پنهانی مرد - عدم ارتباط یا فامیل - کار زیاد همسر و تنهایی زن
			– اختلاف با همسر - کشمکش و دعوی زیاد - سابقه ناسازگاری
			– تفاوت در جاه‌طلبی‌های مالی - تفاوت در باورها و عقاید - تفاوت سطح مالی خانواده‌ها - تفاوت در دیدگاه مذهبی - فرهنگ پایین خانوادگی همسر - تفاوت تحصیلاتی با همسر - برتری نسبت به همسر و خانواده اش - کمال‌گرایی زن - رنگ و فمال بودن بر خلاف همسر - نقطه‌ای مقابل همسر بودن - حس برتری اولیه نسبت به شوهر - تفاوت سنی زیاد - تفاوت در طرز فکر و سبک زندگی - توجه زیاد همسر به کار و پول - پول‌پرستی شوهر - تفاوت در تفریح و مهمانی - تفاوت سطح فرهنگ خانوادگی - تفاوت در میزان معاشرت و رفت‌وآمد با دوستان
			– بی‌توجهی شوهر هنگام بیماری زن - کمبود محبت زن - نیازها و خلایق زن - عدم ارتباط عاطفی با همسر - سردی و بی‌محبتی شوهر - دیده‌شدن و درک‌شدن توسط شوهر - بی‌توجهی شوهر - تمایل به نبودن همسر - عدم قدرتی همسر - نیاز به محبت از جنس مخالف - نیاز به شنیده‌شدن - نگاه و رفتارهای نفرتامیز همسر - حساس نبودن نسبت به رفت‌وآمد زن - عدم تعصب شوهر نسبت به زن - مهم‌نبودن زن برای شوهر - عدم ابراز علاقه و محبت شوهر - عدم ارتباط کلامی با همسر - شوهرند نبودن همسر - نخریدن هدیه و کادو - نیاز به عشق - نیاز به رابطه زناشویی - نیاز به مراقبت و دوست داشته شدن - نیاز به دوست داشته شدن به‌عنوان یک زن نه مادر - صمیمی نبودن با همسر
			– عدم پاسخ‌گویی همسر به اعتراض‌ها - عدم حمایت زن توسط شوهر - کم‌گذاشتن مالی همسر - نیاز مالی زن - نیاز به پیشرفت مالی و ناتوانی شوهر - جلوگیری همسر از ادامه تحصیل و پیشرفت - محدودیت زیاد در خانه همسر - عدم اختیار زن در خانه - دخالت‌اندازدن زن در امور زندگی - بی‌توجهی و برآورده نکردن نیازهای زن - بی‌توجهی زن و ندانستن جایگاه زنانه
			– عدم وجود رابطه جنسی - عدم رضایت جنسی - رابطه جنسی اندک و ضعیف زن - مشکل جنسی شوهر - ناتوانی مرد در امور جنسی - عدم علاقه زن به نوع ارتباط جنسی مرد - از کار جنسی مرد - ارتباط جنسی کم و نامطلوب - عدم تمایل جنسی به همسر - نیاز جنسی زن - بی‌توجهی مرد در روابط جنسی

<p>رفیق‌باز بودن زن - علاقه به خوش‌گذرانی - داشتن دوستان پسر و مرد - عادی و کسالت‌بار شدن رابطه - داشتن هیجان‌نازک - عشق به تفریح - علاقه به مهمانی، پارتنی و خوش‌گذرانی</p>		<p>۴. خوش‌گذرانی و هیجان‌طلبی زن</p>	
<p>- تحقیر شدن توسط همسر - کسوف پنهان‌کاری سابق شوهر - خوش‌گذرانی شوهر - اذیت‌ها و آزارهای شوهر - توجه بیش از اندازه مرد به خانواده‌هاش - عصبی‌بودن و پر خاشاک‌گری مرد - دروغ‌گویی شوهر - رفتاری با شوهر - رفتاری بد همسر - سخت‌گیری همسر - بددلی همسر - عدم تعادل روانی همسر - رفتارهای خشن همسر - پنهان‌گیری و توقع زیاد همسر - زورگویی مرد - قهر و بددلی همسر - ضرب‌وشتم همسر - رفتارهای مشکوک و پنهان‌کاری همسر - توجه به زنان دیگر و مقایسه زن با آنها - عدم تعادل اخلاقی شوهر - رفتارهای جلف و کودکانه شوهر - اجباری شوهر - منت‌گذاشتن همسر - بی‌احترامی همسر - جاروچرخ‌رانانداختن شوهر - بی‌مسئولیتی و عدم تعهد مرد به زندگی</p>		<p>ب. رفتارهای منفی شوهر</p>	
<p>- محدود بودن در خانواده پدری - نداشتن دوست صمیمی و تنها بودن در خانه پدری - راحت‌نبودن با والدین - محبت‌ندیدن از جانب والدین - محدودیت و فشار توسط مادر</p>		<p>ج. محدودیت و دیده‌نشدن در خانه پدری</p>	
<p>- اصرار خواهر به ازدواج - اصرار همسر به ازدواج - ازدواج بدون مهر و محبت - عدم‌اختیار در انتخاب همسر - اصرار خانواده به ازدواج - عدم علاقه اولیه به همسر - ازدواج به‌دلیل آبروی خانواده - عدم علاقه زن به ازدواج با مرد - ازدواج به‌دلیل اجباری</p>	<p>۱. ازدواج بدون علاقه</p>	<p>د. اجبار و تحمیل</p>	
<p>- جدانشدن به‌خاطر آبروی خانوادگی - سابقه اقدامات حقوقی یا اقدام به طلاق - سابقه ناسازگاری - سخت‌گیری خانواده در مورد طلاق - سابقه طلاق - احساس تنفر نسبت به شوهر - نداشتن عاطفه همسری به شوهر - جدانشدن به‌خاطر ترس از خانواده - درخواست طلاق - کوتاه‌آمدن به‌خاطر خانواده پدری</p>	<p>۲. ماندن اجباری</p>		
<p>- همراهی و کمک‌کردن نفر سوم - صداقت نفر سوم - توجه نفر سوم - احترام‌گذاشتن نفر سوم - حرف‌زدن نفر سوم با زن - توجه به خود زن توسط نفر سوم - شنیده‌شدن و تأییدشدن توسط نفر سوم - عدم زورگویی نفر سوم - محبت نفر سوم - سواد و عقل نفر سوم - جذابیت نفر سوم - اهمیت‌دادن نفر سوم - شرایط و ویژگی‌های خوب نفر سوم - آبراز علاقه نفر سوم - مهربانی و محبت پذیرانه نفر سوم - مشابهت زندگی با نفر سوم - خوش‌هیكل و شاد بودن نفر سوم - گرایی زن به مردان با سنین بالا - اخلاق خوب نفر سوم - اهل کار بودن نفر سوم - ارتباط خوب و لذت‌بخش جنسی نفر سوم - صبوری و آرامش نفر سوم - تکیه‌گام‌بودن نفر سوم - مسئولیت‌پذیر و به فکر بودن نفر سوم - سن کم نفر سوم - احساس آرامش با نفر سوم - تلاش برای راهی نگه‌داشتن زن توسط نفر سوم - وقت‌گذاشتن زیاد نفر سوم - حمایت‌های نفر سوم - دیده‌شدن توسط نفر سوم</p>		<p>الف. وجود نفر سوم</p>	<p>۲. وجود شرایط زمینهای</p>
<p>- ارتباط زیاد با جنس مخالف در محیط کار - ارتباط زیاد با دوست همسر در خانه - ارتباط نزدیک با نفر سوم در محیط کار - ورود افراد مختلف به زندگی</p>		<p>ب. فراهم‌بودن ارتباط زیاد با جنس مخالف</p>	

در این قسمت با ذکر مثال‌هایی از مقولات فرعی ۳، به بخشی از مصاحبه‌های شرکت‌کنندگان اشاره می‌شود.

### ۱. دیده نشدن

جامعیت نیازهای برآورده‌نشده زنان در دیده‌نشدن خلاصه می‌شد. آنچه که زنان خیانت‌کرده از نیازهای برآورده‌نشده، رفتارهای منفی شوهر، محدودیت و دیده‌نشدن در خانواده اصلی و اجبار به ازدواج و تحمل شرایط موجود بیان می‌داشتند، در بی‌توجهی به خواسته‌ها و تمایلاتشان بود که چه در خانه پدری و چه در کنار همسر از خلأ آن رنج می‌بردند.

**الف. نیازهای برآورده‌نشده.** مقوله نیازهای برآورده‌نشده در زنان خیانت‌کرده در چهار حوزه مشکلات زندگی، موقعیت‌های تعارض‌برانگیز، عدم رضایت زناشویی و خوش‌گذرانی و هیجان‌طلبی زن طبقه‌بندی شدند. اگرچه هر کدام از این حوزه‌ها شامل مقولات فرعی نیز بودند، اما به دلیل محدودیت در صفحات، به ذکر یک مثال در هر کدام از این چهار مقوله بسنده می‌شود.

- مشکلات زندگی. خانم «ص» مشکلات متعددی در زندگی داشت. از عدم‌اجازه همسرش در مداخله وی در امور زندگی تا اعتیاد پسرش و طلاق وی بعد از اعتیاد و ورشکستگی شوهر. او درحالی‌که اکنون بار تمام مشکلات زندگی را به دوش داشت، گفت: «این یک سال اخیر به زیر صفر رسیده‌ام. شوهرم سکتۀ مغزی کرده و بردنش بیمارستان. دو روز بعد سروکلۀ طلبکارهاش پیدا شد و این دومیلیون، این سه‌میلیون و اصلاً من نمی‌دونستم. خونم رو تو شهرک اکباتان فروختم که پول بدهی‌های مردم رو بدم... خیلی خسته شدم. هیچ کاری نمی‌تونه بکنه چون یک طرف بدنش فلجه... تمام خرید خونه با منه. هرچی که شما فکرش رو بکنین. یعنی من حتی ساعت ۱۲ شب هم اگر برسیم خونه، شروع می‌کنم به این آقا سرویس دادن.»

- موقعیت‌های تعارض‌برانگیز. برای خانم «ش» اختلافاتشان آن‌قدر جدی بود که به‌گفته خودش چند بار هم برای طلاق مراجعه کرده بودند، اما به‌خاطر پسر نه‌ساله‌شان منصرف شده بودند. او گفت: «ما کلاً از اول ازدواجمون باهم دعوا داشتیم. کلاً اخلاقمون باهم سازگار نبود... یکهو ناراحت می‌شه و زیر همه‌چیز می‌زنه. مثلاً می‌گه میای بریم بیرون؟ می‌گم نه. دیگه تا یک ماه چیزی نمی‌گه. ما خیلی دعوا داریم. همه فامیل من می‌دونن... خیلی توهین می‌کنه... تا حالا هم چند بار من رو زده.»

- عدم رضایت زناشویی. خانم «و» نیاز به هم‌صحبت و محبت را نیاز اصلی خود می‌دانست و اظهار داشت: «همسرم نیازهای عاطفی من رو اون‌طور که باید تأمین نمی‌کرد. همیشه احساس کمبود می‌کردم و احساس می‌کردم نیاز دارم با کسی بشینم و یک ساعت حرف مفید بزنم. ولی ما هیچ‌وقت حتی در مسائل روزمره زندگی مون هم به یه نتیجه مفید نمی‌رسیدیم... راجع به هرچی حرف می‌زدیم، بلافاصله دعوا بود. می‌خواستیم راجع به اتفاقاتی که در روز می‌افتاد، برایش تعریف کنم و دوست داشتم او هم شنونده خوبی باشه... تنها بودم، احتیاج به هم‌صحبت داشتم. نیاز به محبت داشتم.»

- خوش‌گذرانی و هیجان‌طلبی زن. خانم «ع» نیازهایش را این‌گونه بیان نمود: «من یه آدمی بودم که تفریح خیلی دوست داشتم. هیجانانگیز خیلی بالا بود. عاشق چیزهای عجیب‌غریب هستم. دوست داشتم تا سه‌چهار صبح بشینم با یکی فیلم ببینم. من شب‌زنده‌داری رو دوست داشتم. مهمونی و پارتنری خیلی برام مهم بود. اکیپ دوستایی که من درست می‌کردم، دختر و پسرایی که از این خوششون نمی‌اومد، چون هم‌همه‌ش فاز پیرمردی

می‌گرفت. ولی من پارتی و رقصیدن رو شدیداً دوست دارم. ولی همسرم اصلاً و به‌خاطر اینکه نیازهام تأمین نشد، سمت فرد دیگه رفتم.»

**ب. رفتارهای منفی شوهر.** خانم «س» به‌رغم اینکه با اصرار و میل خودش با همسرش ازدواج کرده بود، از رفتارهای منفی او به‌عصبیت و بی‌توجهی در کنار اعتیاد و بیکاری اشاره نمود: «دست بزن داشت. یعنی من به هرچی که اعتراض می‌کردم، حتی هرچیز کوچیک، مثلاً زایمان کرده بودم، عصبی بودم، خونه مادرشوهر و با این وضعیت نداری و منم دختری بودم که تقریباً راحت زندگی کرده بودم، همین جوری که مثلاً می‌گفتم آخه بچه چرا نمی‌خواهی و چرا این جوری می‌کنی، یه‌کو نصف‌شب می‌دیدم که از پشت با مشت‌ولگد می‌اومد رو سرم. یعنی این جوری بود. کلاً عصبی بود و دست بزن داشت... احساس می‌کردم دیگه این مثل یه تکیه‌گاه نیست برای من. نمی‌تونم بهش تکیه کنم.»

**ج. محدودبودن و دیده‌نشدن در خانه پدری.** خانم «الف» با زنی زندگی کرده بود که در پانزده‌سالگی متوجه شده بود، مادرش نیست. مشکلات زیادی را تحمل کرده بود: «پدرم خیلی شر بود و من رو سه‌ماهه از مادرم جدا کرده بود. به من هم تا پانزده‌سالگی نگفتن که جریان چیه. در جریان جنگ فهمیدم. پدرم تصمیم داشت ما رو بره خارج از کشور. کیی شناسنامه رو دیدم و متوجه شدم جای اسم مادر، نام زنیه که می‌دونستم همسر سابق پدرم بوده. اونجا فهمیدم و من هیچ عکس‌العملی بروز ندادم. اونم سرکوب، یعنی فکر می‌کردم حق ندارم بگم. من خیلی مطیع و ساکت بودم. نامادری‌م در این مطیع‌بودن مؤثر بود. خیلی تخریبگر بود و من مدام فکر می‌کردم دارم رابطه این دوتا رو به هم می‌زنم. به من گفته‌ان تو اضافه‌ای! تو وسط من و بابات بودی و من هیچ‌وقت با بابات زندگی نکردم. من بیشتر هووی او بودم تا دخترش و من احساس می‌کردم باید خودم رو حذف کنم... پدرم گفت برو با مادر بزرگت زندگی کن تا تنش بینمون کم بشه.»

**د. اجبار و تحمیل.** خانم «ش» به اختلاف و دعوای زیاد با همسرش و تمایل به جدایی اذعان داشت: «خیلی باهم دعوا می‌کنیم. ما کلاً از روزی که عقد کردیم، دعوا می‌کنیم تا همین الان... بهش می‌گم یه پولی به من بده، من تنها و جدا زندگی کنم. این بیشتر آروم می‌کنه... پیشنهاد هم دادم جدا شیم ولی گفتن آبروی خانوادگی از بین میره. نمی‌دونم تا کجا می‌خواد پیش بره!»

## ۲. وجود شرایط زمینه‌ای

داده‌های به‌دست‌آمده از زنان خیانت‌کرده گواه دو عامل اصلی برای بروز روابط فرازنشویی در ازدواج بود. نیاز به توجه و دیده‌شدن که در بالا به‌تفصیل بیان شد، همراه با وجود عوامل و شرایط محیطی که خیانت را محقق نموده بود.

**الف. وجود نفر سوم.** خانم «ص» از وجود استرس و فشار زیاد در زندگی‌اش مفصل صحبت نموده بود، از طرفی خود را عاشق زندگی و نیازمند توجه و دوست داشته شدن معرفی کرد. او حتی تشابهاتی با فرد سوم نیز پیدا کرده بود: «با این آقا آشنا شدم، ایشون هم تو زندگی‌ش مشکل داشت. ولی این قدر خلأ محبت داشتم، آن‌قدر جای خالی داشتم که این پر می‌کنه. خیلی حواسش به من جمعه. من ده سال از ایشون بزرگ‌ترم و این رو چند بار بهش گفتم. گفت برای من مهم نیست. من پیش تو آرامش دارم... خودم رو داره می‌بینه. حرفم رو



گوش می‌کنه. اجبار و تحکم نداره. گوش می‌ده. مثلاً می‌گم می‌خوام این کار رو بکنم، گوش می‌ده و می‌گه خوب کاریه، بکن... کمبودهایی از شوهرم داشتم (با گریه) کاش جایی بود که به مردا می‌گفتم از زن‌هاتون کم نگذارید بهش محبت کنید، مسلماً اونم به شما محبت می‌کنه.»

**ب. فراهم‌بودن ارتباط زیاد با جنس مخالف.** خانم «ف» از محیط کار و ارتباط زیادش با همکاران و مراجعان مرد گفت: «شرایطم جوریه که آقایون خیلی میان و می‌رن. سعی می‌کنم خیلی رفتارم موجه باشه... دفعهٔ سومی که اومد نشست و صحبت رو شروع کرد... من می‌دونستم که این مسئله خارج از عرف هست، ولی موضوع اینه که از این مسائل خیلی برای ما اتفاق می‌افته. مثلاً شمارهٔ من به طرق مختلف دست خیلی‌ها می‌افته. متأسفانه در محیط‌های اجتماعی و حداقل در وزارت‌تخونهٔ ما این اتفاق خیلی زیاده. هنوز که هنوزه خیلی از همکاران ما اسم‌اس‌هایی می‌دن که من به‌هیچ‌عنوان جوابشون رو نمی‌دم.»

### بحث و نتیجه‌گیری

پس از کدگذاری متن مصاحبه‌ها از زنان خیانت‌دیده و خیانت‌کرده مفاهیم متعددی شناسایی شد. ازمنظر زنان آسیب‌دیده، نیازهای برآورده‌نشدهٔ مرد، مشکلات زندگی و وجود شرایط زمینه‌ای، به‌عنوان علل و عوامل خیانت در مردان مشخص گردید. زنان خیانت‌کرده نیز دیده‌نشدن و وجود شرایط زمینه‌ای را از عوامل خیانت خود می‌دانستند. نیازهای برآورده‌نشده که گاه معطوف به همسر فرد خیانت‌دیده و گاه معطوف به فرد خیانت‌کننده است، از مفاهیم مشترک بین دو گروه به حساب می‌آید. می‌توان گفت که برخی از این نیازها، نخست به تفاوت‌ها و اختلافات بین زوجین بازمی‌گردد. درواقع گاه تفاوت‌های زن و شوهر به‌لحاظ ارزشی، تحصیلات، فرهنگ، خصوصیات اخلاقی، خانوادگی و... در کنار وجود برخی مشکلات در زندگی ازقبیل بیکاری، اعتیاد، دخالت خانواده‌ها، مشکلات مالی و... زمینهٔ تعارض میان زوجین را ایجاد می‌کند و درصورت نبود مهارت‌های لازم برای مدیریت موارد فوق و بروز رفتارهای منفی ازجانب زوجین، کیفیت زندگی عاطفی و به‌دنبال آن زندگی جنسی کاهش یافته و ریسک وقوع خیانت بالا می‌رود. بر این اساس، همسو با یافته‌های این پژوهش، بشیرپور، شفیعی‌آبادی و دکانی‌پور<sup>۳۳</sup> (۲۰۲۰) نیز دریافته‌اند که عدم شباهت تحصیلی، فرهنگی، مذهبی و ارزشی زوجین می‌تواند به بروز خیانت زناشویی دامن بزند. براساس پژوهش فوق، نداشتن ویژگی‌هایی ازقبیل حمایت و همدلی، نپذیرفتن فرد مقابل و تلاش برای تحقیر و تغییر او، سرزنش کردن مداوم، نداشتن توافق در حیطه‌های مختلف، برآورده‌نشدن نیازهای دو طرف، قدردانی نکردن، محبت‌نکردن به همسر و درنهایت نبود رضایت جنسی ازجمله پیش‌بینی‌کننده‌های خیانت به شمار می‌رود. همچنین کمپبل (۲۰۰۹) و مکناستی، ونر و فیشر<sup>۳۴</sup> (۲۰۱۶) و مصطفی‌زاده و بحرینیان<sup>۳۵</sup> (۲۰۱۸) بیان کردند که کاهش رضایت عاطفی و کاهش رضایت جنسی هر دو با افزایش احتمال خیانت مرتبط هستند و درمجموع عدم رضایت زناشویی در ازدواج به‌عنوان یک ریسک، فاکتور مهم برای خیانت مطرح شده است (فینجام و می، ۲۰۱۷؛ بخشایش و باقری<sup>۳۶</sup>، ۱۳۹۹).

علاوه‌بر موارد فوق، مواردی از نیازهای برآورده‌نشده وجود دارد که در گروه زنان خیانت‌دیده در ذیل مقولهٔ مرد دون‌ژوان و در زنان خیانت‌کننده در ذیل مفهوم خوش‌گذرانی و هیجان‌طلبی زن گنجانده شده است. از کدهای به‌دست‌آمده از مصاحبه با زنان آسیب‌دیده، ناتوانی همسرانشان در کنترل تکانه‌های جنسی، داشتن جذابیت‌های ظاهری و سعی در نمایش آن‌ها، داشتن روابط دوستی و جنسی متعدد و موازی قبل از ازدواج و

کسالت‌آوردانستن زندگی و تنوع‌طلبی بودند. زنان خیانت‌کرده نیز به علاقه به خوش‌گذرانی، عادی و کسالت‌بارشدن رابطه و داشتن هیجانات بالا اشاره کردند. همسو با پژوهش حاضر، شاکلفورد، بسر و گوئتز (۲۰۰۸) به این نتیجه رسیدند که تکانشی بودن باعث میل بیشتر به خیانت هنگام برانگیختگی جنسی می‌شود. حتی افراد تکانه‌ای از نظر فیزیولوژیکی تمایل بیشتری به رابطه جنسی داشته و به دنبال شرکای جنسی متعددی هستند. از نقطه نظر دیمیتز<sup>۳۷</sup> (۲۰۱۶) سطح بالای خودشیفتگی در مردان با ایجاد عدم تعادل در رابطه، زمینه‌های بروز خیانت را در آنان فراهم می‌کند. درمورد روابط دوستی و جنسی قبل از ازدواج می‌توان به پژوهش فینچام و می (۲۰۱۷) اشاره نمود که داشتن تجربه روابط جنسی قبل از ازدواج رابطه مستقیم با خیانت دارد. مطابق با پژوهش بشیرپور، شفیع‌آبادی و دکانی‌پور (۲۰۲۰) نیز مردان و زنانی که تنوع‌طلبی و هیجان‌طلبی بیشتری در روابط جنسی دارند، به احتمال بالاتری درگیر خیانت می‌شوند.

از دیگر مفاهیمی که به‌طور مشترک در زنان خیانت‌دیده و زنان خیانت‌کننده یافت شد، نبود علاقه از جانب فرد خیانت‌کننده و ماندن اجباری در زندگی زناشویی می‌باشد. وجود زنانی که به‌اجبار تن به ازدواج داده، به‌رغم وجود تنش‌ها و تعارضات فراوان و درک تفاوت‌های خود و همسر و نبود علاقه فی‌مابین امکان جداشدن از زندگی زناشویی را نداشتند. ناتوانی آنان گاه بنا به دلایل خانوادگی چون نپذیرفتن والدین و بیماری آن‌ها بود، گاه همسر با زور و اجبار مانع جدایی می‌شد و گاه دلایل جنبه اجتماعی داشت. محدودبودن قانونی زنان برای درخواست طلاق، قبح اجتماعی آن و عدم حمایت‌های مالی و بی‌پناهی بعد از آن، موارد مطرح‌شده از سوی زنان خیانت‌کرده و خیانت‌دیده بود. در این راستا، فتحی، پروین و جوادیان<sup>۳۸</sup> (۱۳۹۵) که در مطالعه کیفی خود، به بررسی دلایل خیانت از دیدگاه مردان و زنان خیانت‌کننده پرداختند، ازدواج‌های تحمیلی و مصلحتی و دشواری‌های طلاق از قبیل سرزنش اطرافیان و فرزندان، تنزل اعتبار اجتماعی، انگ طلاق و طرد اجتماعی و... را از جمله عوامل مؤثر بر بروز خیانت دانستند.

انفعال و خوش‌بینی افراطی نیز از مفاهیم استخراج‌شده از مصاحبه با زنان خیانت‌دیده بود که زنان در این مفهوم به داشتن ویژگی‌هایی از قبیل سادگی، وابستگی زیاد، سکوت و فداکاری زیاد، گذشت زیاد و تبعیت زیاد در رابطه اذعان داشتند. اگرچه یافته‌ای که نشان دهد انفعال زن از پیش‌بینی‌کننده‌های خیانت در مردان است در ادبیات پژوهشی یافت نشد، اما زینالی و امیرسرداری<sup>۳۹</sup> (۲۰۱۸) در مطالعه خود نشان دادند که ترس از طرد و از دست دادن همسر می‌تواند پیش‌بینی‌کننده خیانت زناشویی در افراد باشد. به‌عبارت دیگر، شاید بتوان گفت افرادی که به دلیل تجارب زیسته در طول دوران زندگی و به‌خصوص کودکی، دارای باورهای مبنی بر دوست‌داشتنی نبودن، به‌اندازه کافی خوب نبودن و یا طرد شونده از سوی دیگران هستند، تلاش می‌کنند با عدم بیان هرگونه مخالف، توجه افراطی، وابستگی زیاد و تبعیت کامل از شوهرانشان، شرایطی را فراهم کنند تا همسرانشان از آن‌ها رضایت کامل داشته و آن‌ها را ترک و یا طرد نکنند که البته نتایج این پژوهش نشان می‌دهد رفتارهایی از این قبیل، ریسک خیانت در مردان را افزایش می‌دهد.

وجود مشکلات، محدودیت‌ها و دیده‌نشدن در خانه پدری نیز از مواردی بود که هم زنان خیانت‌کننده در خصوص خیانت خودشان و هم زنان خیانت‌دیده در خصوص خیانت شوهرانشان به آن اشاره کردند. مطالعات نشان می‌دهد شیوه فرزندپروری والدین می‌تواند پیش‌بینی‌کننده خیانت و تعارضات زناشویی در آنان باشند (جوادی و زینالی<sup>۴۰</sup>، ۱۳۹۷). افرادی که خانواده‌های اصلی آنان بی‌ثبات، بدرفتار، سرد و بی‌عاطفه، طردکننده

یا منزوی بوده و یا دوران کودکی تکان‌دهنده‌ای داشته‌اند، در بزرگسالی قادر به برقراری رابطه‌ی ایمن و رضایت‌بخش با یک نفر نبوده و تمایل دارند از رابطه‌ی با دیگر پناه ببرند (شریفی، رباط میلی، شهیدی و قربان جهرمی<sup>۴۱</sup>، ۱۴۰۰). همچنین والدین تنبیه‌گر، پرتوقع، کمال‌گرا، پیرو قانون، سرکوب‌کننده هیجان و اجتناب‌کننده از هرگونه خطا، شادی و آرامش و به‌عبارت دیگر والدین سخت‌گیر نیز دارای فرزندانی هستند که به‌احتمال زیاد نگرش به خیانت در آنان سهل‌تر خواهد بود (استپ و السون<sup>۴۲</sup>، ۲۰۱۱).

از دیگر متغیرهای تأثیرگذار بر خیانت‌های زناشویی در این پژوهش، می‌توان به شرایط زمینه‌ای اشاره کرد. این شرایط زمینه‌ای در زنان آسیب‌دیده، تغییرات شغلی و محیطی، روابط زیاد همسرانشان با جنس مخالف در محیط کار، داشتن دوستان و همکاران غیرمتعهد و سابقه وجود خیانت در اطرافیان نزدیک همسرانشان را شامل می‌شود. پژوهش فینچام و می (۲۰۱۷) و کروکی<sup>۴۳</sup> (۲۰۱۳) مؤید آن است که داشتن شغل‌هایی که در آن فرد ارتباط زیادی با جنس مخالف دارد و یا داشتن همکاران غیرهم‌جنس زیاد در محیط کار به‌خصوص در مردان، ریسک وقوع خیانت را افزایش می‌دهد. همچنین بشیرپور، شفیق‌آبادی و دکانی‌پور (۲۰۲۰) همسو با یافته این مطالعه، بر نقش مهم الگوبرداری تعهدشکنی در روابط زناشویی اشاره کرده و اظهار داشتند که بروز خیانت در اطرافیان از قبیل والدین و دوستان نزدیک، ریسک ارتکاب خیانت در افراد را افزایش می‌دهد. پلات، نالبون، گزانوا و وتچلر<sup>۴۴</sup> (۲۰۰۸) نیز در بررسی تاریخچه رشدی افراد خیانت‌کرده، به اثر خیانت والدین بر فرزندان پی بردند و دریافتند که فرزندان بزرگ‌تر که خیانت پدرشان را درک می‌کنند، نسبت به فرزندان که متوجه نمی‌شوند، احتمال گرایش بیشتری به خیانت دارند. درخصوص زنان خیانت‌کرده نیز باید افزود که اکثر مصاحبه‌شوندگان به وجود نفر سوم که برخلاف همسر آنان، واجد رفتارهای مثبت و مشترکات فراوان بود، اشاره نمودند. ویژگی‌هایی که آنان برای نفر سوم ذکر می‌کردند، شامل این موارد بود: داشتن اخلاق خوب، صبور و آرام‌بودن، مسئولیت‌پذیر و به فکر بودن، تلاش برای راضی نگه‌داشتن زن، توجه و محبت فراوان، داشتن رابطه جنسی مطلوب برای زن، حامی‌بودن، اهل کار بودن و درنهایت دیدن و درک کردن زن. مطابق با یافته‌های پژوهش حاضر، جین فریو، جوریچ و مانگ<sup>۴۵</sup> (۲۰۱۴) در تحقیق خود، از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته و به روش پدیدارشناسی به روی چهار زن خیانت‌کرده، اعلام نمودند توجه مثبتی که زنان از نفر سوم دریافت می‌کردند، جذابیت رابطه فرازناشویی را افزایش می‌داد. چهار شرکت‌کننده در مصاحبه توجه مثبت را این‌گونه شرح داده بودند: رابطه عاطفی، شنیدن، صرف زمانی برای باهم‌بودن، مورد پذیرش قرار گرفتن و محبت فیزیکی. این‌ها مواردی بودند که از نظر محققان باعث می‌شد که زنان خیانت‌کرده احساس رضایت بیشتری نسبت به ازدواجشان در رابطه جدید داشته و تعهد بیشتری به آن داشته باشند. درمورد دیده‌شدن، شنیده‌شدن و درک‌شدن توسط نفر سوم که یکی از مهم‌ترین دلایل زنان خیانت‌کرده به گرایش به فردی خارج از روابط زناشویی بود، نکات قابل‌توجهی مشاهده گردید: نخست اینکه، در تعدادی از زنان شرایط سخت زندگی و برآورده‌نشدن نیازهای آنان، ادامه زندگی را به‌رغم رنج‌های فراوان متوقف نکرده بود. این زنان بنا به دلایل مختلفی، از داشتن علاقه فی‌نفسه به زندگی، شرایط خود را پذیرفته و تحمل می‌کردند، ولی با وجود سال‌های متمادی از زندگی مشترک، به‌محض مواجهه با فردی دارای ویژگی‌ها و حتی رنج‌های مشترک، به‌سمت آنان متمایل شده بودند؛ دوم اینکه، شدت نیازهای مربوط به درک‌شدن توسط همسر به‌قدری برای زنان خیانت‌کرده مهم بود که با به‌هم‌خوردن روابط با فردی، در ملاقات با فردی دیگر با همان توانایی‌ها، این روابط دوباره شکل

می‌گرفت. این موضوع نشان‌دهنده این است که در غالب زنان مصاحبه‌شده، نفس داشتن رابطه‌ای که شامل توجه به نیازهای عاطفی و خواسته‌های آنان بوده، دلیل اصلی ارتکاب به خیانت بود.

در مجموع باید گفت برخلاف تأکیدات فراوانی که در ادبیات پژوهشی به آن اشاره شده، نیاز به رابطه جنسی در مردان و نیاز عاطفی در زنان، عمده دلیل روابط فرازنشویی در آنها نیست. در مردان خیانت‌کرده، بنا بر گزارش همسرانشان، درک‌نشدن و نیازهای برآورده‌نشده مؤید همان درخواست اصلی آنان با مصادیق نداشتن جایگاه، احترام، توجه، قدردانی و در یک کلام پذیرش نقش مردانه آنان در زندگی مشترک بود که در رفتار و عملکرد زنان دیده و حتی در کلام آنان نیز شنیده می‌شد. بنابراین، وجود موانع دستیابی به این جایگاه چون کوچک شمرده شدن و نادیده‌انگاشتن وی، بی‌توجهی عاطفی و جنسی همسر بنا بر هر عاملی، اعم از اختلافات و تعارضات زیاد و یا تفاوت‌های فردی و خانوادگی بارز، زمینه‌ساز ارتکاب به خیانت در مردان شده بود. در زنان خیانت‌کننده نیز معنای درک‌نشدن در «دیده‌نشدن» جمع شده بود. دیده‌نشدن از خانواده پدری آغاز و به زندگی زنشویی هم کشیده شده بود؛ والدینی که با محدودکردن دخترانشان عرصه زندگی را بر آنان تنگ نموده بودند، یا در ازدواج بهانه‌گریز را در آنان تقویت کرده و یا در جدایی امید به بازگشتن را در آنان از بین برده بودند. در زندگی زنشویی هم این نیاز در زنان، علاوه بر تمایل به رابطه عاطفی عمیق همراه با شنیده‌شدن، به نوع ارتباطات جنسی و تأمین خواسته‌ها و نیازهای مالی هم مصداق پیدا می‌کرد. مشکلات زندگی که زحمات طاقت‌فرسایی بر دوش زنان تحمیل نموده بود، شامل به‌دوش کشیدن بار زندگی مالی و عاطفی خانواده، اعتماد همسر و یا فرزندان، نوع شغل همسر که به تنهایی زیاد زن در خانه انجامیده و مسائلی که هرکدام عرصه را بر زنان تنگ نموده بودند، به محض مواجهه با فردی که توجهات معمول را به آنان ابراز داشته بود، زمینه گرایش زنان را به روابط فرازنشویی ایجاد نموده بود.

درخصوص محدودیت‌ها باید گفت که زنان خیانت‌کننده و آسیب‌دیده هرکدام جداگانه و بدون حضور همسرانشان در پژوهش شرکت کردند و لذا امکان بررسی دلایل بروز خیانت، ازمنظر هر دو همسران میسر نشد. بنابراین یافته‌های به‌دست‌آمده از نقطه‌نظر صرف شرکت‌کنندگان و با سوگیری احتمالی از جانب آنان بود؛ همچنین ابزار استفاده در این پژوهش مصاحبه عمقی بود و لذا به‌رغم فراهم‌نمودن شرایط مطلوب برای شرکت‌کنندگان در انتخاب محل و جلب اطمینان خاطر آنان درخصوص محرمانه‌بودن گفته‌ها و رعایت موارد همدلانه، تأثیر ویژگی‌های مصاحبه‌کننده، اعم از سن، جنسیت، نوع پوشش و مواردی دیگر غیرقابل‌انکار می‌نمود. پیشنهاد می‌شود مطالعات بعدی معطوف به مصاحبه با زوج درگیر در خیانت باشد تا یافته‌های حاصله ازمنظر هر دو زن و شوهر خیانت‌کرده و آسیب‌دیده بررسی و تبیین شوند؛ همچنین پیشنهاد می‌شود مصاحبه‌هایی به‌صورت آنلاین برگزار شود. چراکه در عده‌ای که خیانتشان هنوز افشا نشده است، ترس از دست‌دادن زندگی مانع مصاحبه با آنها می‌شد و یا عده‌ای نیز در مصاحبه رودررو با بیانی حق‌به‌جانب گفت‌وگو می‌کردند که مصاحبه آنلاین می‌تواند این نقیصه را تا اندازه‌ای برطرف نماید.

پی‌نوشت‌ها

1. Warach & Josephs
2. Laquet
3. Omarzu
4. Fife & Weeks & Stellberg
5. Leifker & White & Blondon & Marshall
6. Alavi, Mei & Mehrinezhad
7. Allen & atkin
8. ignat
9. Modarresi, Zahedian & Hashemi Mohammad Abad
10. plot
11. fincham & may
12. Atkins, Baucom & Jacobson
13. campbel
14. allen et al
15. Atkins, Yi, Baucom & Christensen
16. Shackelford, Besser & Goetz
17. Orzech & Lung
18. Yeniceri & Kokdemir
19. Mahoney, Pargament, Tarakeshwar & Swank
20. Atkins & Kessel
21. Whisman & Snyder
22. Træen & Stigum
23. Kuroki
24. Snyder, Baucom & Gordon
25. Afshari Kashanian, Zaharakar, Mohsenzadeh & Tajik Esmaili
26. Choupani, Sohrabifard, Mohammadi, Esmacili & Samadi Fard
27. Habibi & hajiheidari
28. Grounded
29. Theoretical saturation
30. Guion, Diehl & McDonald
31. Open-ended questions
32. Cresswell
33. Bashirpour, Shafi'abadi & Doukaneifard
34. McNulty, Wenner & Fisher
35. Mostafazadeh & Bahreinian
36. Bakhshayesh & Bagheri
37. Demeter
38. Fathi, parvin & javadian
39. Zeinali & Amirsardari
40. Javadi & zeinali
41. sharifi, robot meili, shahidi & ghorbanjahromi
42. Estep & Olson
43. Kuroki
44. Platt, Nalbone, Gasanova & Wetchler
45. Jeanfreau, Jurich & Mong

#### EXTENDED ABSTRACT

### **Predictive Factors for Infidelity from the Point of View of Unfaithful and Wronged Women: A Qualitative Study**

**Introduction:** Infidelity has proven to be a very impactful even in the lives of couples and based on the research, creates many challenges for them and is one of the most difficult issues raised in counseling. Research has been conducted on various aspects including gender, education, religion, family history, marital relationship (both emotional and sexual), and communication skills which reveals that people involved in infidelity, whether perpetrators or victims, are influenced by their society's culture. Studies on Iranian culture have usually focused on unfaithful men and women and there is a neglect of research on the wronged parties alongside the unfaithful. Therefore, this paper aims to study predictive factors for infidelity among women who have been unfaithful or wronged.

**Methodology:** This research is a qualitative research based on grounded theory and foundational data. Its statistical population includes women who have experienced emotional and/or sexual infidelity while married. This includes both women who cheated on their husbands or were cheated on. The criteria for inclusion were women who have committed infidelity and have admitted it themselves, and women whose husbands had extramarital affairs and believed they were victims of infidelity. Exclusion criteria encompassed individuals who refused to agree that their extramarital relations constituted infidelity for various reasons (whether personal, customary, social or legal). Sampling in this research is purposeful and in order to achieve it, places such as counseling centers, health homes, family courts, even specific businesses such as hairdressing salons and public communication through radio and television were utilized. Regarding the sample size, since the research method was qualitative and was conducted through in-depth interviews, the sampling process was repeated until the information saturation was reached. Thus, 12 people were interviewed in the group of unfaithful women and 15 people who were victims, making a total of 27 people, and then the sampling process was stopped. In this research, the content analysis method of grounded theory was used to analyze the data, referring to the method of Strauss and Corbin. In the content analysis method, the data were categorized and analyzed through open and axial coding.

**Findings:** Among women who were victims of infidelity, following themes and sub-themes were extracted:

1. Unmet needs
  - a. Unwarranted optimism on the behalf of the woman and her passivity in the relationship
  - b. Promiscuous man
  - c. Lack of station for men

- d. Lack of emotional and sexual connections
- e. Problems and limitations in her father's house
- 2. Life problems
  - a. Disagreements on individual and family matters
  - b. Intense tensions and differences
  - c. Lack of interest in the woman and yet she stays on by force
- 3. Background conditions
  - a. Sudden changes in economic, environmental, and cultural situation
  - b. Extensive relationship between the man and members of the opposite sex
  - c. Uncommitted friends and colleagues
  - d. History of infidelity in the family or close people

Among women who had committed infidelity themselves, the following primary and secondary themes were extracted:

- 1. Being ignored
  - a. Unmet needs
  - b. Husband's bad behavior
  - c. Limitation and facing neglect at the parental family
  - d. Being forced and coerced
- 2. Background conditions
  - a. Presence of a third party

b. Extensive relationship between the woman and members of the opposite sex  
زنان خیانت کرده و... /

**Conclusion:** This research finds that despite the common emphasis on sexual needs among men and emotional needs among women in the literature, these are not the main causes of extramarital affairs. Among unfaithful men, as reported by their wives, being misunderstood and having their desires unmet was indicative of their main want, which was a lack of station, respect, attention, gratitude, or simply acceptance of their masculine role in married life which they experienced in speech or action from their wives. What deprived men of this station, such as being belittled or ignored emotionally or sexually by their wives, due to any cause such as intense disagreements and conflicts or clear individual and family differences created conditions for men's infidelity. For women who committed adultery, being misunderstood manifested in "not being seen". Women felt they were not being seen from their parental homes to their married lives. Parents who restricted the lives of their daughters either strengthened the excuse of seeking a relief in marriage or destroyed the hope of return in case of separation. In married life, this need in women, in addition to the desire to have a deep emotional relationship while being heard, was also exemplified by the type of sexual communication and the provision of financial wishes and needs. The problems of life that the exhausting labors imposed on the shoulders of the women include shouldering the burden of the financial and emotional life of the family, the addiction of the husband or children, the husband's job that has left the woman alone

at home for long stretches of time, and various issues that make life hard for the women. These women were bored, and as soon as they met a person who showed them the desirable attention, conditions for women to have extramarital relationships were created. This research was limited by the fact that women – whether perpetrator or victims of infidelity – were interviewed individually and without their husbands' presence, thus the probable causes of infidelity was not studied from the point of view of both spouses, thus findings merely report the point of views of the interviewees and therefore might be biased. Also, the tool used in this research was in-depth interviews, and therefore, in spite of providing favorable conditions for the participants in choosing the place and reassuring them about the confidentiality of the statements and making sure that the requirements for inspiring the feelings of empathy were met, the impacts of the characteristics of the interviewer on the responses, e.g. age, gender, type of clothing and other factors are undeniable.



## References

- Alavi, M., Mei, T. K., & Mehrinezhad, S. A. (2018). The Dark Triad of Personality and Infidelity Intentions: The Moderating Role of Relationship Experience. *Personality and Individual Differences*, 128, 49-54.
- Allen, E. S., & Atkins, D. C. (2005). The multidimensional and developmental nature of infidelity: Practical applications. *Journal of clinical psychology*, 61(11), 1371-1382.
- Allen, E. S., Rhoades, G. K., Stanley, S. M., Markman, H. J., Williams, T., Melton, J., & Clements, M. I. (2008). Premarital Precursors of marital infidelity. *Family Process*, 47, 243-259.
- Afshari Kashanian, O., Zaharakar, K., Mohsenzadeh, F., & Tajik Esmaili, A. (2019). Identifying Predisposing Factors in Marital Infidelity in Women. *Counseling research and development*, 18(71), 122-156 [in persian].
- Aron, A., Norman, C. C., Aron, E. N., Mckenna, C., & Heyman, R. (2000). Couple's shared participation in novel and arousing activities and experienced relationship quality. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78, 273-283.
- Atkins, D.C., Yi, J., Baucom, D. H., & Christensen, A. (2005). Infidelity in couples seeking marital therapy. *Journal of Family Psychology*, 19, 470-473.
- Atkins, D. C., Baucom, D. H., & Jacobson, N. S. (2001). Understanding infidelity: Correlates in a national random sample. *Journal of Family Psychology*, 15, 75-749.
- Atkins, D.C., Kessel, D. E. (2008). Religiousness and infidelity: attendance, but not faith and prayer, predict marital fidelity. *Journal of MarriageFamily*, 70: 407-418
- Bakhshayesh, F., & Bagheri, N. (2020). Comparison of Personality Characteristics and Sexual Satisfaction among Couples with Marital Infidelity and Normal Couples. *community health*, 7(3 ), 299-309 [in persian]
- Bashirpour, M., Shafi'abadi, A., & Doukaneifard, F. (2020). Factors affecting the tendency to marital infidelity: A grounded theory study. *Journal of Qualitative Research in Health Sciences*, 8(4), 16-27.
- Campbell, A. M. (2009). *How selected personality factors affect the relationships between marital satisfaction, sexual satisfaction, and infidelity*. Louisiana Tech University
- Choupani, M., Sohrabifard, M., Mohammadi, F., Esmaceli, N., & Samadi Fard, A. (2019). The perception of unfaithful men (infidelity) of the causes and factors in preventing Extramarital relations: a qualitative study. *Counseling research and development*, 18(69), 79-105 [in Persian].
- Cresswell, J.W. (2007). *Qualitative Inquiry Research Design: Choosing Among Five Approaches*. Second Edition, London: Sage Publication.
- Demeter, E., (2016). The effects of infidelity on couples from a therapeutic point of view. *Individual Cabinet, Arad*, 123-133.
- Estep, H. M., & Olson, J. N. (2011). Parenting style, academic dishonesty, and infidelity in college students. *College Student Journal*, 45(4), 830-838.
- Fathi, M., Parvin, S., & Javadian, S. (2017) compering the cause of infidelity in marital relationship among men and women: a qualitative research. *Journal of qualitative research in health science*. 5 (4), 401-418 [in Persian].

- Fife, S. T., Weeks, G. R., & Stellberg, J. (2013). Facilitating in the Treatment of Infidelity: An Interpersonal Model. *Journal of Family Therapy*, 35(4), 343-367.
- Fincham, F. D., & May, R. W. (2017). Infidelity in romantic relationships. *Current opinion in psychology*, 13, 70-74.
- Guion, L. A., Diehl, D. C., & McDonald, D. (2011). Conducting an in-depth interview. *EDIS*, 2011(8).
- Habibi askaeabad, M., & Hajiheidari, Z. (2015). A qualitative study for investigating the reasons of sexual infidelity of couples who have asked for divorce in family court. *Journal of family research*, 11(42), 165-186 [in persion].
- Ignat, R. (2018). Infidelity, Impulsivity, Attachment and Distorted Cognitions. *The Journal of Sexual Medicine*, 15(7), 42-47.
- Javady, S., & Zeinali, A. (2019). Infidelity Poneness: The Role of Parenting Styles and Attachment Styles. *Journal of family research*, 14(56), 533-548 [in Persian].
- Johnson, C. A., Stanley, S. M., Glenn, N. D., Amato, P. A., Nock, S. L. (2002). Marriage in Oklahoma. *Baseline Statewide Survey on marriage and divorce*.
- Jeanfreau, M. M., Jurich, A.P., Mong, M. D. (2014). An Examination of Potential Attractions of Women's Marital Infidelity. *The American Journal of Family Therapy*, 42:14-28, 2014.
- Kuroki, M. (2013). Opposite-sex coworkers and marital infidelity. *Economics Letters*, 118(1), 71-73.
- Laquet, W. (2015). *Short-Term Couples Therapy: The Imago Model in Action (Hardcover)*. New York: Rutledge Hardcover pub.
- Leifker, F. R., White, K. H., Blandon, A. Y., & Marshall, A. D. (2015). Posttraumatic Stress Disorder Symptoms Impact the Emotional Experience of Intimacy During Couple Discussions. *Journal of anxiety disorders*, 29, 119-127.
- Mahoney, A., Pargament, K. L., Tarakeshwar, N., & Swank, A. B. (2001). Religion in the home in the 1980s and 1990s: A meta-analytic review and conceptual analysis of links between religion, marriage, and parenting. *Journal of Family Psychology*, 15, 559-596.
- McNulty, J. K., Wenner, C. A., & Fisher, T. D. (2016). Longitudinal associations among relationship satisfaction, sexual satisfaction, and frequency of sex in early marriage. *Archives of Sexual Behavior*, 45(1), 85-97.
- Modarresi, F., Zahedian, H., Hashemi Mohammad Abad, S. (2014). The Rate of Marital Fidelity and Quality of Love in Divorce Applicants with and Without Marital Infidelity Precedent. *Armaghane danesh*. 19 (1) ,78-88.[in persion]
- Mostafazadeh. P. & Bahreinian, S. A. (2018). The relationship between personality traits and marital satisfaction with mediating positive and negative affects. *Avicenna Journal of Neuro Psycho Physiology*. 5(2), 73-80.
- Omarzu, J., Miller, A. N., Schultz, C., & Timmerman, A. (2012). Motivations and emotional consequences related to engaging in extramarital relationships. *International Journal of Sexual Health*, 24(2), 154-162.
- Orzech, T., & Lung, E. (2005). Big five personality differences of cheaters and non-cheaters. *Current Psychology*, 24, 274- 286.

Platt, R. A. L., Nalbone, D. P., Gasanova, G. M., Wetchler, J. L. (2008). Parental Conflict and Infidelity as Predictors of Adult Children's attachment Style and Infidelity. *The American journal of family therapy*, 36; 149-161.

Polat, D. (2006). *Examining the relationships between marital adjustment, infidelity tendency and conflict tendency among married couple according some variable*. Doctoral dissertation, Ankara University.

Shackelford, T. K., Besser, A. & Goetz, A. T. (2008). Personality, Marital Satisfaction and Probability of Marital Infidelity. *Journal of Individual Differences Research*, 6, 13-25.

Sadat Sharifi, N., Robotmili, S., Shahidi, S., & Ghorban Jahromi, R. (2021). Comparison of Early Maladaptive Schemas and Parenting Styles among Woman Who Committed Infidelity and Women Who Have Been Victims of Infidelity. *Journal of Applied Psychological Research*, 12(2), 357-377.

Snyder, D. K., Baucom, D. H., Gordon, K. C. (2008). An Integrative approach to treating infidelity. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Family*, 16 (4), 300-307.

Træen, B., & Stigum, H. (1998). Parallel sexual relationships in the Norwegian context. *Journal of Community & Applied Social Psychology*, 8(1), 41-56.

Warach, B., & Josephs, L. (2021). The aftershocks of infidelity: a review of infidelity-based attachment trauma. *Sexual and Relationship Therapy*, 36(1), 68-90.

Whisman, M. A., & Snyder, D. K. (2007). Sexual infidelity in a national survey of American women: Differences in prevalence and correlates as a function of method of assessment. *Journal of Family Psychology*, 21, 147-154.

Yeniceri, Z., & Kokdemir, D. (2006). University students' perceptions of, and explanations for, infidelity: The development of the infidelity questionnaire (INFQ). *Social Behavior and Personality*, 34, 639-650.

Zeinali, A., & Amirsardari, L. (2018). Predicting infidelity proneness using early maladaptive schemas. *Jentashapir Journal of Health Research*, 9(1).